

سنا تورد کتر عیسی صدیق

استاد ممتاز دانشگاه تهران

چگونه آرامگاه فردوسی بوجود آمد؟



آرامگاه فردوسی که بصورت کنونی باشکوه و عظمت در انتظار جلوه گراست در ظرف چهل سال بوجود آمده و مقدمات کار آن نیز شش سال بطول انجامیده است .
وقتی کودتای اسفند ۱۲۹۹ صورت گرفت و رضاشاه کبیر در صحنه سیاست مرز و بوم ظاهر فرمود در دلها نور امید تابد و روح تازه ای در کالبد ایران دمیده شد و بتدریج که سپاه منظم بوجود آمد و نیروهای اجنبی از کشور رانده شدند و نظم و امنیت برقرار گردید

افراد وطن پرست هریک در رشته خود بفعالیت پرداختند . از جمله چند تن از رجال دانشمند درجه اول کشور چون حسن مستوفی (مستوفی الممالک) - حسن پیرنیا (مشیر الدوله) محمد علی فروغی (ذکاء الملک) - حسن اسفندیاری (محشم السلطنه) - ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) عبدالحسین تیمورتاش (سردار منظم) - فیروز میرزا فروز (نصرت الدوله) - حاج سید نصرالله تقوی - ارباب کیخسرو و شاهرخ در پائیز ۱۳۰۱ گردهم آمدند و برای تقویت حس ملی و تجلیل از بزرگان مملکت و حفظ آثار باستانی و ابنیه تاریخی جمعیتی بنام انجمن آثار ملی تأسیس کردند

در آغاز انجمن در خانه اعضا مؤسس تشکیل می شد و طبق اساسنامه ای که در ۱۴ ماده تصویب کرده بود به بحث و تبادل نظر می پرداخت . بمناسبت نزدیک شدن هزارمین سال ولادت فردوسی نخستین اقدامی که انجمن بدان مبادرت کرد ساختن آرامگاه فردوسی بود که با سرودن شاهکار حماسی خود تاریخ ایران و ملیت و زبان فارسی را احیاء کرده است .

برای رسیدن به این منظور انجمن جمع آوری اهانه را از توانگران وطن پرست و مدارع آغاز کرد .

این بنده که از شهریور ۱۳۰۱ ریاست دبیرستان سیروس و معلمی دارالفنون را به عهده داشت بدعوت انجمن درباغ نیرالدوله در خیابان ناله که مسکن تیمورتاش بود و پسرانش در دبیرستان سیروس ب تحصیل اشتغال داشتند حضور یافتم و بار جالی که اسامی آنها مذکور افتاد رو برو شدم . انجمن نیت خود را درباره ساختن آرامگاه فردوسی و جمع آوری اعانه ابراز داشت و از من خواست در این امر اقدام کنم . بنده هم پس از سخنرانی مختصری برای دانش آموزان دبیرستان درباره فردوسی و شاهنامه از آنان خواستم که هر کس باندازه وسع خود به ساختن آرامگاه آن مرد بزرگ کمک کند و ظرف دو هفته یک هزار و سیصد تومان توسط دفتر دبیرستان جمع آوری و تسلیم ارباب کیخسرو و شاهرخ خزانه دار انجمن گردید .

در ۱۳۰۳ انجمن آثار ملی از مجلس شورای ملی کمک خواست . چون مجلس به موجب قانون نمی تواند پیشنهاد خرج بدهد در ۱۵ اسفند ۱۳۰۳ تصمیم قانونی اتخاذ کرد و از دولت دعوت نمود که برای مقبره حکیم ابوالقاسم فردوسی مبالغه کافی در بودجه منظور و برای تصویب به مجلس پیشنهاد کند .

در ۱۳۰۴ بدرخواست انجمن سردار سپه که در آن تاریخ نخست وزیر بود ریاست عالی انجمن را پذیرفت و پشتیبانی او باعث افزایش فعالیت انجمن شد . اساسنامه انجمن در همان موقع بطبع رسید و در مرداد ۱۳۰۴ پروفسور هرتسفلد خاورشناس شهیر آلمانی که به ایران آمده بود بدعوت انجمن در تالار وزارت فرهنگ در مسعودیه راجع به آثار ملی سخن رانی جالبی ایراد کرد و از جمله اهمیت فوق العاده شاهنامه را در حفظ ملیت جلوه گرا ساخت و اظهار تأسف کرد که از مدفن آن سخنور نایبه ملی اثری جز مشتکی سنگ و خاک دیده نمی شود .

وقتی سردار سپه در ۲۱ آذر ۱۳۰۴ سلطنت ایران بر گزیده شده فقط شخصاً به ساختن آرامگاه کمک فرمود بلکه در نخستین کابینه دوران سلطنت او فروغی که ریاست دولت و انجمن آثار ملی را بعهده داشت لایحه ای بمجلس شورای ملی تقدیم کرد که در اول بهمن ۱۳۰۴ تصویب شد و بموجب آن بوزارت دارائی اجازه داده شد تمبری بنام فردوسی اشاعه و درآمد خالص آن را بساختن مقبره فردوسی تخصیص دهد .

باین ترتیب انجمن از حمایت و کمک دولت و مجلس برخوردار گشت و شروع با اقدام کرد و ارباب کیخسرو و شاهرخ خزانه دار انجمن را که نماینده و رئیس کار پرداز می مجلس بود در اردیبهشت ۱۳۰۵ بطوس اعزام داشت تا مدفن فردوسی را بطور دقیق و صحیح مشخص و معلوم سازد .

در کتاب چهارمقاله احمد نظامی عروضی ، در حکایت نهم از مقاله دوم آمده است که سلطان محمود غزنوی پس از پشیمانی از قدرشناسی نسبت به فردوسی بوزیر خود خواجه احمد بن حسن میمندی دستور داد شصت هزار دینار با اشتران سلطانی بطوس بفرستد و از فردوسی عذبخواد و این جایزه وقتی بدروازه رودبار طوس رسید که جنازه فردوسی را از دروازه رزان طوس بیرون می بردند و بنوشته نظامی عروضی که مینا نقل می شود :

در درون دروازه باقی بود ملک فردوسی ، او را در آن باغ دفن کردند . امروز هم در آنجاست و من در سنه عشر و خمس ماهه آن خاک را زیارت کردم ،

بنابر این نظامی عروضی خاک فردوسی را ۹۴ سال پس از رحلت او در باغ شخصی فردوسی زیارت کرده است. ارباب کیخسرو و شاهرخ باستناد کتاب مذکور و تحقیقاتی که از فضلی خراسان و معمرین طوس و دهات اطراف آن کرد بدین مطلب دست یافت که باغ حاج میرزا محمد علی قائم مقام التولیه در طوس همان باغ فردوسی است. از اینرو با کمک والی خراسان و فرمانده لشکر شرق سرتیب امان‌اله جهانیانی و نمایندگان خراسان در مجلس و دیگر زعمای محلی در باغ مذکور بکاوش پرداختند تا به تختگاهی رسیدند که شش متر طول و پنج متر عرض داشت و پس از خاک برداری آثار قبر ظاهر شد.

در اثر گزارش شاهرخ بانجمن قانونی در ۲۹ تیر ۱۳۰۶ بتصویب مجلس رسید که متن آن عیناً نقل می‌شود:

ماه ۵۵ و واحد - مجلس شورای ملی با اداره مباشرت مجلس اجازه می‌دهد از صرفه جوئی‌های ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی مبلغ بیست هزار تومان برای ساختمان مقبره حکیم - ابوالقاسم فردوسی اختصاص دهد تا علاوه بر وجوه اعانه که توسط انجمن آثار ملی برای همین مقصود جمع آوری شده است با نظارت اداره مباشرت مجلس بمصرف برسد. از تاریخی که موجود شدن محل بیست هزار تومان برای اداره مباشرت مجلس مسلم شود اقدام بشروع ساختمان مقبره مذکور نباید پیش از دوماه به طول انجامد و اداره مباشرت مأمور اجراء است. حاج قائم مقام التولیه باغ خود را در طوس که ۲۳ هزار متر مربع مساحت داشت تقدیم انجمن آثار ملی کرد و فرزندان ملک التجار هم هفت هزار متر مربع از زمینهای متصل بیباغ را هدیه کردند و بدین ترتیب عرصه‌ای بمساحت سی هزار متر مربع برای شروع به کار آماده شد.

راجع به سبک ساختمان آرامگاه، انجمن آثار ملی معتقد بود که خدمات فردوسی در احیای تاریخ و فرهنگ ایران شبیه خدمات کورش بزرگ است و آرامگاه فردوسی باید تا حدی شبیه آرامگاه کورش بزرگ در پارساگرد باشد. طبق این نظر پروفسور هرتسفلد آلمانی و آندره گدار فرانسوی رئیس باستان شناسی ایران که تخصصش در معماری بود و کریم طاهرزاده مهندس معمار که در آلمان تحصیل کرده بود نقشه‌هایی پیشنهاد کردند و انجمن آثار ملی نقشه ساختمان کنونی را تصویب کرد.

با شصت هزار تومان اعانه مردم و مجلس بنای آرامگاه از ۱۳۰۷ با نظارت شاهرخ و شبیه انجمن آثار ملی در خراسان آغاز شد. مطابق مقتضیات آن زمان حمل سنگهای خلیج از معدن بطوس و تراشیدن و کار گذاشتن آنها بتأنی پیشرفت کرد تا در ۱۳۰۹ وجوه به اتمام رسید. مجلس شورای ملی مجدداً در ۳ تیر ۱۳۰۹ قانونی تصویب کرد که بموجب آن از صرفه جوئی بودجه مجلس مبلغ ده هزار تومان برای تکمیل ساختمان مقبره با اداره کارپردازی مجلس تأدیه شود. با این همه ساختمان آرامگاه با تمام نرسید و انجمن آثار ملی تصمیم گرفت اذراء بخت آزمایی هفتاد هزار تومان بدست آورد.

البته ممکن بود تمام وجوه لازم یکباره از دولت گرفته شود ولی منظور انجمن این بود که در ساختن آرامگاه بزرگترین سخنور ملی حتی الامکان افراد ملت شرکت جویند تا حس میهن پرستی آنان بیغتر بیدار شود و با همیت فرهنگ و مقام بزرگان خود پی ببرند.

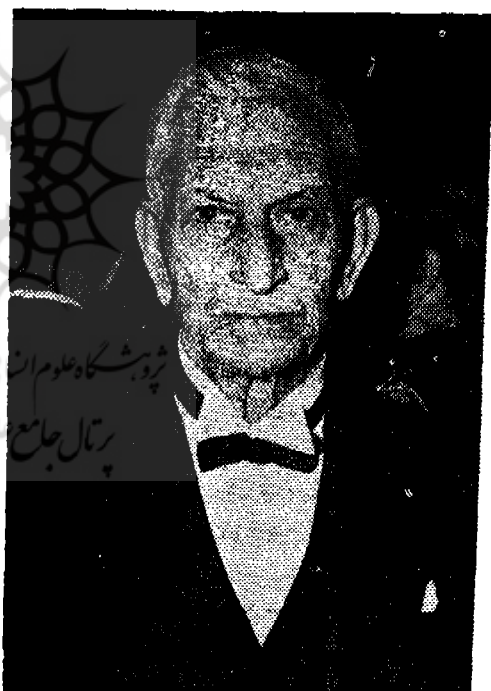


حسین علاء

حکیمی را بریاست و بنده را بدبیری بر -
گزید . مقدمات امر توسطه کارمندان
دانش سرایمالی با تصویب و نظارت هیأت
فراهم شد و روز ۱۲ بهمن ۱۳۱۲ با حضور
هشتصد نفر از اعاظم تهران فروغی نخست
وزیر و رئیس انجمن ضمن سخنرانی بسیار
جالبی در دانش سرایمالی راجع به فردوسی
و شاهنامه و توجه مردم ایران را نسبت به
لزوم کمک با تمام آرامگاه جلب کرد و از
روز بعد بلیطهای بخت آزمای بمرض فروش
گذاشته شد و یکصد و شصت هزار تومان هاید
انجمن شد و تا مرداد ۱۳۱۳ بمصرف اتمام
آرامگاه رسید و باین ترتیب جماعاً بایکصد
و چهل هزار تومان آرامگاه ساخته و پرداخته
شد .

کسانی که عملاً در بنای ساختمان آرام-
گاه شرکت داشتند عبارت بودند از حسین

برای ترتیب بخت آزمای انجمن
آثار ملی سه تن از اعضاء هیأت مؤسس را
که عبارت بودند از ابراهیم حکیمی و حسین
علاء و کیخسرو شاهرخ انتخاب کرد که با
عبدالحسین نیکپور نماینده مجلس و رئیس
اطاق بازرگانی و مصطفی فاتح معاون شرکت
نفت ایران و انگلیس و این بنده که ریاست
دانش سرای عالی را به عهده داشت در دانش-
سرایمالی منظور انجمن را عملی سازیم .
طبق تصویب نامه دولت مقرر شد که نمایندگان
وزارت دادگستری و بانک ملی ایران و
شهرداری تهران نیز در مراسم بخت آزمای
حضور یابند .
هیأت ده نفری بخت آزمای ابراهیم



ابراهیم حکیمی

لرزاده معمار و سرکار ساختمان و استاد حسین حجار باشی زنجانی و تقی درودیان مباشر
جمع و خرج . حجار باشی علاءه بر تراشیدن سنگهای خُلق آرامگاه سنگه بزرگه مرمر
روی قبر را مجاناً تقدیم کرد و انجمن زردشتیان تهران چهل چراغ برنز داخل مزار را
هدیه نمود .



مقارن پایان یافتن ساختمان آرامگاه مقدمات برگزاری جشن و کنکره بین المللی فردوسی با کمک مالی دولت فراهم آمد و چهل تن از خاورشناسان و فضلاء هفده کشور مهم جهان با چهل تن از دانشمندان ایران از ۱۲ تا ۱۶ مهر ۱۳۱۳ در مدرسه دار - الفنون تهران کنکره را تشکیل دادند و سپس رهسپار طوس شدند و با حضور آنان روز بیستم مهر ۱۳۱۳ رضا شاه کبیر آرامگاه فردوسی را افتتاح فرمود. شرح مذاکرات کنکره و سخنرانیهایی که ایراد شد در کتاب «هزاره فردوسی» بطبع رسیده و منتشر گردید.

عبدالحسین نیکپور

با وجود تمام زحماتی که در ساختن آرامگاه کشیده شد در اثر آشنا نبودن سازندگان بفتون آزمایش خاک و محاسبه سنگینی آن بنای عظیم با هجده متر ارتفاع و عدم اطلاع از آبهای زیر زمینی ناحیه طوس، نا استواری بنا از همان سالهای اول ظاهر گشت و باینکه در ظرف سی سال چند بار به کفال سازی و زه کشی مبادرت شد و قسمت فوقانی بنا از زواید تخلیه گردید نشست ساختمان ادامه یافت. بالاخره پس از مشورت با جمعی از اهل فن راه چاه در این دیده شد که بنا را برچینید و از نو برپی محکم بسازند و این کار در ۱۳۴۳ آغاز شد و چهار سال بطول انجامید.

برای حفظ نمای اصلی و هیأت خارجی آرامگاه تمام سنگها نمره گذاری شد و پس از برچیدن آنها زیر زمینی بکودی پنج و طول و عرض ۳۰ متر باسیمان پیرامون قبر ایجاد گشت و قسمت فوقانی قبر که در بنای اولی توپر بود این بار تهی ساخته شد و با کاشیهایی که منقوش باشکال دوران هخامنشی و عصر خود فردوسی است مزین گردید و بر دیوارهای زیر زمین نما سازی سنگی و سنگ نشسته و نقوش برجسته بنای قبلی نصب شد. مساحت باغ ۲۷ هزار متر مربع افزایش یافت. کتابخانه و موزه خاص و مهمانسرا و آسایشگاه برای زائرین و دفتر و مسکن برای کارکنان ایجاد شد. تندیس فردوسی از سنگ یکپارچه جلوی استخر نصب شد